

« آقای دکتر بنائی رئیس  
مازبان ملی پیش‌آهنگی ایران بدعوت  
انجمن ملی اولیاء و سرریان ایران سخنرانی  
جالبی تحت عنوان بالا ، در هشتمین  
دوره کلاسهای آموزش توجیهی انجمن  
ایراد کردند که قسمت های مهم  
این سخنرانی در اینجا نقل می‌شود.»

کارهای فوق برنامه قسمتی از تعلیم و مکمل برنامه‌های تعلیم و تربیت است .  
هر فردی ذوقی دارد و هر مؤسسه‌ای روش خاصی . اگر بخواهیم روشهای دستگاه تعلیم  
و تربیت مملکت را یکنواخت کنیم و بصورت ماشین درآوریم در حقیقت مغز را از انسان  
گرفته‌ایم و همه را تابع یک روش خشک نموده‌ایم که ممکن است در جایی واقعاً خوب  
اعمال شود ولی در جایی اعمال نشود . در این صورت خلاف روش انسانی خواهد بود  
اگر مغزهای بشر را کاتالیزه کنیم . زیرا در این صورت جمله بشر احسن الخالقین در  
مورد فرد مصداق پیدا نخواهد نمود بنابراین فعالیتهای فوق برنامه مکمل برنامه تعلیم  
و تربیت بوده در هر جا باید با مقتضیات شرایط موجود عمل شود .

### تعلیم و تربیت چیست ؟

تعلیم و تربیت سلسله روشهایی است که اطلاعاتی متناسب با محیط و استفاده  
از آن روشها در افراد پیاده نموده نتیجه آن بهیود زندگی افراد جامعه خاص خواهد بود .  
سوادآموزی نیز قسمتی از برنامه تعلیم و تربیت است بعنوان مثال فردی که باید محصول  
خود را از ده شهر آورد و برای کار خود از الاغ استفاده نماید بار کردن الاغ و سواری  
آن قسمتی از تعلیم و تربیت او می‌باشد . کار فوق برنامه عبارت از کارهایی است که اولیاء  
و سرریان نمی‌توانند در محیط خود به فرزند بیاموزند و بستگی به اختلافات فردی دارد .  
پس اگر قبول کنیم که تعلیم و تربیت پرکننده چاله چوله‌های آموزش و پرورش نیست  
کارهای فوق برنامه باید جبران کننده آن باشد .

فرض کنیم بخواهیم مدرسه باز کنیم . باید از خود سؤال کنیم مدرسه واجد چه  
شرایط ، فلسفه و هدفی باشد . پس از روشن شدن هدف ، طبقه (از نظر کودکستان ،  
دبستان یا دبیرستان) مورد نظر باید مشخص شود .

با توجه به طبقه هدف پیاده می‌شود. برنامه باید مشخص باشد و تهیه وسایل اجرای برنامه نیز ضروری است. مجری واجد شرایط انتخاب می‌شود و باید برنامه سازمان یافته همبستگی پیدا نماید.

نظارت دقیق و ارزشیابی کار همراه با پی‌گیری دائمی ضروری است.

روش پیاده نمودن هدفهای تعلیم و تربیت باید مشخص شود.

معتقدم هشت رکن در پیاده نمودن یک برنامه، صحیح برای به‌ثمر رساندن هدف و فلسفه تعلیم و تربیت بترتیب زیر وجود دارد: برنامه، مجریان، وسایل، لوازم، سازمان، تشکیلات، نظارت و پی‌گیری. از راه خواندن و شنیدن و عمل کردن می‌توان مطالب را آموخت.

- کوشش اولیاء و مربیان بر این است که بچه‌هایی درست تربیت کنند. هدف به‌ثمر رساندن فرزند است. ولی متأسفانه به شرایط رشد و خصوصیات جسمی کودک توجه نمی‌شود. بطوریکه در سالهای اول دبستان کودک مجبور است مقدار زیادی کتاب و کتابچه را برای انجام تکالیف درسی فوق‌العاده سنگین و نامتناسب با سن خود حمل نماید.

حمل کیف سنگین، خودکار غلطی است که جلوی رشد کودک را می‌گیرد. مفهوم تعلیم و تربیت در مدارس امروزی ایران با بزرگ کردن کله اشتباه شده در حالیکه آمار نوابغ جهان نشان می‌دهد اکثریت نوابغ هرگز در مدرسه شاگردان ممتازی نبوده‌اند. شاگرد اول معمولاً در زندگی شکست می‌خورد، زیرا نامتعادل تربیت شده است در حال حاضر بهراندازه بشر رو به تمدن می‌رود، از کارآئی او کاسته می‌شود بخصوص با وسایل الکتریکی خودکاری که همه کارهای فرد را خیلی راحت انجام می‌دهد و از فعالیتهای بدنی فرد می‌کاهد. تمدن بشر را فلج می‌کند. علت توجه به فوق‌برنامه بمناسبت اینست که زمانی فعالیتهائی جزو تعلیم و تربیت بوده و با تمدن جدید این فعالیتها از بین می‌رود و کیفیت بدن انسان را پائین می‌آورد. استفاده از اتومبیل پیاده‌روی را کم می‌کند، عده‌ای تصور می‌کنند وقت طلا است و نباید آنرا تلف کرد، در حالیکه عمر از طلا باارزش‌تر است. در نتیجه اگر به فوق‌برنامه توجه نشود و تحرکی که طبیعتاً جزو برنامه زندگی انسان است بوسیله ماشین گرفته شود، بدن رو به تحلیل خواهد رفت، مگر مصنوعاً بشر را نگهداریم! لزومی ندارد برای بزرگ کردن مغز، بدن کوچک شود. در مدرسه توجه فقط به محفوظات است. کتاب مجموعه اطلاعات است و اطلاعات فقط ابزار تعلیم و تربیت است. محفوظات بدون توجه به کلیه شئون تربیتی طفل را فرسوده می‌کند. بچه فوق‌العاده درس‌خوان از نظر بدنی بیمار می‌شود. اعصاب او ضعیف است اگر تحرک را از بشر بگیریم ضعیف می‌شود.

بعضی بچه‌ها بعلت ناراحتی و فشار دچار بیماریهای مخصوصی می‌شوند. عضلات بعلت عدم استفاده، از بین می‌روند. اطلاعات فقط ابراز تربیت است و محفوظات بدون توجه به کلیه شئون تربیتی (که کارهای فوق برنامه قسمت اصلی آنها تشکیل می‌دهد) طفل را فرسوده می‌کند. نباید مغز طفل را بایگانی مطالب کتاب نمود. تربیت قوای جسمی احساس عاطفی، اجتماعی و نیروی خلاقه طفل را باید مورد توجه قرار داد. به پدر و مادر خوشحال از شاگرد اول بودن دایمی فرزند خود، باید تسلیمت گفت زیرا پس از مدتی فرزندشان بیمار خواهد شد مگر اینکه پس از مدتی روش زندگی او تغییر یابد.

کتابهای درسی و غیر درسی، روزنامه و مجلات، تلویزیون در آموزش کودک مؤثر است. مربی موظف است کتابهای غیر درسی مفید را متناسب با سن و علاقه کودک در برنامه او گنجانده، حتی الامکان در کتابخانه آموزشگاه و در دسترس بچه‌ها قرار دهد. متأسفانه کتابخانه مدارس ما انبار کتابی است که قابل استفاده نمی‌باشد. زیرا متناسب با سن کودک تهیه نشده تا هدف کمک رشد جسمی، فکری و اجتماعی کودک را پرورش دهد. هیچکدام از کتابها برای مکمل برنامه آموزش کودک نیست. کتابخانه مدرسه، باید کتابهای مفید و متناسب با سن کودک داشته باشد. چه لزومی دارد نیاز کودک را با در دسترس قرار دادن کتابهای نامناسب، زودرس کنیم. بدن در سن معینی مهارتی را کسب می‌نماید و اگر قبل از فرارسیدن سن مناسب مطلبی را به کودک بیاموزیم، باعث عقب افتادگی او خواهد شد. برای همین است که در تعلیم و تربیت به فصلی معتقدند بنام «هنگام تعلیم».

### — از راه شنیدن نیازها توسط معلم و مربی —

در این مورد معلم را از مربی جدا می‌کنم، زیرا معلم فقط مطالب درسی را می‌آموزد، در حالیکه مربی علاوه بر تعلیم، تربیت می‌کند. متأسفانه مربی خوب کم داریم. متد یاد دادن الفبا را خوب می‌دانیم، اما متد یاد دادن الفبای زندگی را هیچ نمی‌دانیم. ۹۰٪ مطالب درسی (بجز موارد تخصصی) ببرد زندگی نمی‌خورد. در مورد مسایل ریاضی، از جمله مسئله حوض و سه فواره با سه زیرآب که مدت‌ها در مدارس متداول بوده است، هرگز با زندگی اجتماعی ایران تطبیق نمی‌کند، زیرا هیچ آدم احمقی برای پرکردن حوض، سد زیرآب را باز نمی‌کند که در حال پرکردن حوض آب از آن خارج شود. این مسئله نشان می‌دهد به نیاز موجود محیطی توجهی نشده است. فلسفه تعلیم و تربیت در این مسئله در نظر گرفته نشده است. در دوره مدرسه مسئله‌ای حل کردم با این مضمون: بقالی سه من سرکه خرید بقرار سنی چهار ریال. دو من به آن آب اضافه نمود و فروخت بقرار سنی سه ریال، معین کنید چقدر سود کرده؟

این مسئله عملاً می‌تواند بما یاد بدهد که می‌شود در سرکه آب ریخت و فروخت و سود برد .

در نتیجه حالا شما سرکه خالص و سالم پیدا می‌کنید ؟ ! !

فلسفه تعلیم و تربیت باید در هر قدمی ، هر عمل و هر کلمه‌ای که بر لبان مربی جاری می‌شود ، ملاحظه شود . و اگر تمام افراد خدمتگزار مملکت در تمام سطوح بسهم خود وظایف خود را خوب انجام دهند ، اجتماع خود بخود خوب خواهد شد . یکی از علل مشکلات فرزندان عدم توجه یا کمبود وقت معاشرت نزدیک والدین با فرزندان است . در کلاس ، معلم بدون مطالعه و تجربه فقط رفع تکلیف می‌کند ، زیرا مدیر مدرسه و متصدیان امور آموزش و پرورش بجز آموزش دروس از معلم انتظار دیگری ندارند . بعنوان مثال پیغامی به کودک واک‌دار نمی‌کنیم که بفرد دیگری در مدرسه برساند تا یکی از موارد ضروری زندگی را بیاموزد . در کتاب نوشته نشده ، پس کودک کجا آنرا بیاموزد ؟

به عاطفه و احساس کودک توجه نمی‌شود . در حالیکه بیش از هر چیز باید به احساس کودک توجه شود . هیچ ماده‌ای از کتاب یا برنامه آموزش و پرورش احساس کودک را پرورش نمی‌دهد در حالیکه به‌ترین موردی است که در زندگی با آن سروکار داریم . فوق برنامه باید به این مسئله توجه نماید .

فوق برنامه خیلی مفصل است . چیزی است که لای کتاب نمی‌توان پیدا کرد . حالا حدس بزنید چقدر مطالب روی کتاب نیست !  
- از دهان معلم و مربی ، رادیو و تلویزیون و از دهان مردم گروه اخیر بیش از دوسود اولی مؤثر هستند .

پدر و مادر با بچه‌ها هر شب صحبت نمی‌کنند تا با اتفاقات روزمره آنها آشنا شوند . اگر بخواهیم دیدنیها و شنیدنیهای کودک را کنترل کنیم ، کلیه کوششهای تعلیم و تربیت در برابر دیدنیها و شنیدنیهای روزمره کودک بی‌اثر خواهد ماند . والدین گاهی فقط با پول انجام وظیفه می‌نمایند . اگر بتوانند مرتباً با فرزند خود در تماس بوده محرم راز آنها باشید ، فرزند شما به راههایی کشیده نمی‌شود تا بعد از آنکه دیر شد ، متوجه شویم . کار فوق برنامه پر کردن اوقات بیکاری است . در تعلیم و تربیت این جمله گفته شده است که : اگر می‌خواهی فرزندت فاسد نشود او را با آنچه که دوست داشته و لازم دارد مشغول نگاهدار . اگر والدین این کار را نکنند کودک خودش خودش را مشغول خواهد نمود ، ولی با وسایل مخرب !

- معلم و مربی باید سعی کنند حوزه سموعات دانش‌آموزان را سالمتر کنند ، زیرا هرچه کودک را محدود کنید حریص‌تر خواهد شد . باید حوزه سموعاتی کودک را توسعه داد ، ولی راجع به هر مطلب شنیدنی با او بحث نمود . اگر این کار

انجام شود در مقابل کار انجام شده باعث تأسف قرار نخواهیم گرفت . باید حوزه‌مسموعات بچه را وسیع نمود تا با چه کنیم چه کنیم مواجه شود .

اگر بچه بدرد چه کنیم چه کنیم گرفتار نشود تربیت نمی‌شود در تعلیم و تربیت چه کنیم ها در کتاب نیست ، ولی در زندگی مورد استعمال زیاد دارد .

حوزه مسموعات و دیدنیهای کودک را باید وسیع تر و سالمتر نمود ولی در - معماهایی که با آن مواجه می‌شوند ، باید با آنها به بحث نشست .

محض رضای خدا مدرسه را دالان کتاب نکنید . بچه‌ها همیشه مایلند ببینند پشت کتاب چیست . زندگی همیشه پشت کتاب است ، نه توی کتاب ! ولی متأسفانه در تعلیم و تربیت مدرسه ، هیچ به پشت کتاب توجه نداریم مواد درسی اگر در زندگی قابل لمس نباشد ، فراموش می‌شود .

دانشجو در سال سه ماه درس می‌خواند ۴ ماه مطالب آموزشی را در اجتماع پیاده می‌کند و سه ماه تعطیل است . اگر غیر از این باشد پس از آنکه دانشکده تمام شد تازه با چه کنیم چه کنیم مواجه می‌شود .

- روحیه طفل را در لابلای کتاب خفه نکنید ، انسان تربیت کردن غیر از کرم کتاب تربیت کردن است . بچه باید فعالیت کند ، برود و خسته شود . و این برنامه در تابستان برای کودک باید ترتیب داده شود . نتیجه تعلیمات فردی مهم است . باید دید تا چه حد تعلیم و تربیت واقعی در مورد فرد اعمال شده است .

کرم کتاب بار آوردن بچه‌ها را دچار کمبود می‌کند .

کارهای عملی اصل تربیت است . باید دید فرد چه می‌داند ، نه آنکه چه خوانده است . عمل تعلیم و تربیت است ، نه تئوری ، دو صدگفته چو نیم کردار نیست . البته کارهای عملی ممکن است مثبت یا منفی باشد در اینجا منظور کار عملی مثبت است .

ورزش و تربیت بدنی جزو کارهای عملی مثبتی است که بدن انسانی را یحسد اعلائی تکامل رسانده همکاری دستگاه اعصاب و عضلات را بوجود می‌آورد و همانطور که می‌دانید ورزشهای اجتماعی همکاری کامل را بوجود آورده ، تکروی را منکوب می‌کند در حالیکه تکروی جزو نقائص است !

تمرین تیمهای ورزشی علاوه بر اینکه فنون ورزشی را ایجاد و تقویت می‌کند ، درس همکاری خوبی است که بما می‌آموزد چگونه برای رسیدن به هدفهای مشترک پایتلاش کرد . متأسفانه در خانواده به کودک مسئولیت نمی‌دهند ، در حالیکه با توجه به سن کودک باید باو مسئولیت داد .

جامعه سالم جامعه‌ای است که هر کدام (مثل گروه موسیقی) نت خود را بموقع بنوازد . دسته موزیک بهترین نمونه جامعه سالم است .

کارهای خلاقه برای رفع خستگی فکری مفید بوده به تلطیف ذوق کمک نموده در تمام دوران زندگی شادی و سرور بارمغان می‌آورد . کار هنری که دارای خلاقیت

باشد (نه تقلید) ذوق لطیف بوجود می‌آورد. باید در بچه‌ها از نظر خلایق تلافیف ذوق بوجود آورد، نه کپی کردن طبیعت.

- آشنائی با موسیقی برای رفع خستگی فکری ضروری است، آشنائی به ریتم و آهنگ، بزندگی ریتم می‌دهد. نواختن موسیقی دل‌انگیزترین و مطبوع‌ترین پدیده زندگی است. دوندت موسیقی در یک اکتاو اثر هوشی و تربیتی قویتر از سنفونی پیچیده دارد. گوش کودک را باید به نت‌های نزدیک بهم آشنا نمود که یاد بگیرد چه نت‌هایی با هم متضاد یا متمایل است، چه نت‌هایی در چه زمینه و چه وقت با هم متجانس است، کجا متبوع و کجا نامتبوع است. از آنجا که تعلیم و تربیت چیزی جز کوشش و خطا نمی‌باشد، کارهای دستی بهترین وسیله عملی برای پی بردن به اشتباهات و برطرف نمودن آن است. انجام مأموریت‌های دایمی بوسیله دانش‌آموزان بهترین وسیله برای کوشش و خطای تربیتی است. مأموریت‌های بچه‌ها باید گاهی فردی و گاهی اجتماعی صورت گیرد. هر یک از این دو روش نواقصی دارد، ولی مسلماً مأموریت‌های فردی مقدمه‌ای برای آماده نمودن اطفال برای قبول مسئولیت‌های اجتماعی است.

اطلاعات و فنون مکسب در فعالیت‌های فوق برنامه اصل هدف نبوده، بلکه هم وسیله مشغول شدن اطفال و هم ابزار اولیه خدمت است.

وقتی بدن کودک با اجازه تشخیص و حرکت داد، می‌توان باو مسئولیت داد. باید اجازه خطا را به کودک داد تا بر اثر تمرین بیاموزد مأموریت خود را بطور صحیح انجام دهد. گفتن نکن به کودک باعث می‌شود تربیت او عقب بیفتد. فقط در مواقعی بگوید که کلمه نکن را می‌گوئیم که رفتارش جنبه منفی داشته باشد. در جهت مثبت اگر کودک را مشغول نگه‌داریم، موفق خواهیم بود. تعلیم و تربیت بر این جمله تأکید دارد که: اگر می‌خواهی فرزندان فاسد نشود او را مشغول نگه‌دار. پدرم همیشه ما را به فعالیت واسی داشت و همین باعث شده که در سن ۷۰ - ۹۰ سالگی کوهنوردی کنم. اگر فعالیت نمی‌کردم، از بین می‌رفتم.

- اطلاعات و فنون اکتسابی در کارهای فوق برنامه، اصل و هدف نیست.  
هدف از نقاشی مشغول شدن است (زیرا کمترین امتیاز مشغول شدن جلوگیری از فساد است).

بهرحال تعلیم و تربیت عبارت از روش‌هایی است که با انجام آن روشها موارد مفید در زندگی به کودک آموخته شود.

- در کارهای فوق برنامه کودکان را با هم مقایسه نکنید. در کار فوق برنامه اختلافات فردی باعث می‌شود که مقایسه مفهومی نداشته باشد بهمین دلیل متخالف مسابقات هنری دانش‌آموزان بعنوان کار فوق برنامه هستم، زیرا کاری است که بستگی به رغبت کودک دارد.

- در کارهای فوق برنامه همه را بیک چوب نرانید ، چون فوق برنامه است می توان بگوید که گفت هر طور دلت می خواهد عمل کن . فوق برنامه تربیت است نه نظام . باید آزادی وجود داشته باشد در غیر اینصورت از هدف خارج خواهد شد .  
- در کار فوق برنامه خرج تراش نکنید . باید از امکانات موجود محلی استفاده نمود .

هنر نقاشی و رنگ شناسی را می توان از پارچه های رنگی سر قیچی خیاطها ، مجلات و روزنامه ها بگوید کان آموخت . خرج تراشی تعلیم و تربیت را عقب می اندازد .  
- در کارهای فوق برنامه فرنگی بازی را دور بریزید ، کار خلاقه را به محیط واگذار کنید . در دهات ایران از سنگریزه های رنگی برای تهیه رنگ استفاده کنید -  
(چسباندن سنگ رنگی روی مقوا)

- اراده خود را تحمیل دانش آموز نکنید . طفل زیر دست شما با شما تفاوت دارد .  
- اطفال را سایه پرور تربیت نکنید . بچه ها به آفتاب نیاز دارند . در اردو بهتر است که در محیط آفتابی زندگی کنند .

- محبت را با یاد زدن مخلوط نکنید ، زندگی با خشونت توأم است .  
و اگر کودک را از مشکلات زندگی دور نگهداریم ، بمحض ورود به اجتماع ، دچار ناراحتی روانی شده ، فرد غیر فعالی شده ، طغیان و عصیان خواهد نمود . زندگی بهشت نیست . نباید اطفال را از خشونت زندگی دور کرد .  
کارهای فوق برنامه باید متبوع بوده ، متناسب با سن طفل انتخاب شود .  
کارهای فوق برنامه بایستی برای زندگی ترتیب یافته باشد متناسب با محیط و آداب و رسوم محلی تنظیم شود و حتی الامکان کم خرج بوده ، مکمل مدرسه و زندگی باشد .

کارهای فوق برنامه باید با درس روزانه ارتباط داشته دارای نتیجه آنی و آتی باشد کارهای فوق برنامه باید پرورشی باشد ، ولی خود خواهی را پرورش ندهد و لااقل این موضوع را بگوید که بیاموزد که من عضو این دسته موزیک هستم و دسته ما می تواند این برنامه را اجرا کند . کارهای فوق برنامه نباید فقط وسیله معلم یاد داده شود ، زیرا کوشش و خطای آن از بین خواهد رفت باید خلاقه باشد . کارهای فوق برنامه باید ساده انتخاب شود تا دانش آموز از شکستهای متوالی در کارهای فوق برنامه دلسرد نشود . کار فوق برنامه باید حتی الامکان بوسایل کمی نیازمند باشد کارهای فوق برنامه انتخابی است ، نه تحمیلی . ولی باید همراه با هدایت مربی باشد . باید حتی الامکان در محیط سرباز صورت گیرد ، زیرا با کاردستی بدون خلاقیت کلاس اشتباه خواهد شد و اگر در محیط خارج نباشد تربیتی نخواهد بود .